

توضیح مختصر بالای «مکتی دوکتور سعید افغانی بر نوشته دوم» نمیدانم کرزی با کی میخواهد صلح و مذاکره کند؟

با اظهار امتنان و قدردانی مکرراً از محترم دوکتور صلاح الدین سعیدی، که باز هم قبول زحمت فرموده و نوشته دوم بنده را تحت عنوان «ممنون از مکت دوکتور صلاح الدین سعیدی سعید-افغانی بالای نوشته: نمیدانم کرزی با کی میخواهد صلح و مذاکره کند؟» با حوصله مندی تمام مطالعه فرمودند، و یک سلسله نظریات و راه حل‌های نیک دیگر را که خواست هر افغان وطن‌دوست است تحت عنوان «مکتی بر نوشته دوم» مؤرخ ۲۰۱۱/۰۸/۱۱ پیشکش خواننده‌گان عزیز پورتال پخواننده افغان-جرمن آنلاين نموده اند.

جناب داکتر صاحب خوشحالم که شما در نوشته خود موضوعات مبادله شده را لفاظی تلقی نکرده اید، بلکه آنها را وسیله راهیابی به حل منازعات وطن عزیز ما افغانستان پنداشته اید. حال می‌خواهم نوشته خود را درین ماه مبارک رمضان و گرفتاریهای روزمره دنیای خارج به درازا نکشم و بطور خلص به عرض شما و خوانندگان محترم برسانم:

محترم سعیدی صاحب شما در مقاله دانشمندانه خود در رابطه به مخالفین حاکمیت فعلی اشاره و تأکید نمودید که مخالفین حاکمیت فعلی باید به مخالفین مسلح و غیر مسلح تقسیم شوند، اما برایم روشن نشد که مخالف مسلح و مخالف غیر مسلح کیست؟ اما با همین معلومات محدود خود اینقدر میفهمم که در شرایط فعلی جبهه متحد ملی و حزب تغییر و امید به رهبری داکتر عبدالله ۲× با وجودیکه جنبه رسمی هم ندارند مخالفین غیرمسلح حاکمیت فعلی به شمار میروند، که از امتیازات فوق العاده برخوردار هستند، و مخالفین مسلح هم همین گروههای طالبان، حقانی و گلبدین حکمتیار (برادرانه نازدانه و ناراضی کرزی) هستند که در اوایل به تروریستان مشهور بودند، بعد ها به دشمنان ملت افغانستان، بعداً به مخالفین مسلح و درین اواخر به برادران ناراضی ارتقاء نموده اند، که هنوز هم بالای همان اسپهای مست سوار اند و به تفاهم نیک سیاسی به قول شما وقعی نمیگذارند و پیوسته مردم بیگناه ما را به دستور بیگانه گان، مار های آستین و بیگانه پرستان در دستگاه دولت چون داوود زی ها، خرمها، فاروقها و غیره بخاک و خون میکشند که پارچه های گوشت و قطرات خون این هموطنان که هر روز و بدون وقفه در سرتاسر افغانستان به درو دیوار حک میشود، نمیتواند هیچ انسان و مسلمانی را قانع بسازد که با این انسان ستیزان کنار بیاید. نمیدانم با کی صلح؟

در جای دیگر از نوشته پرمحتوای خود تحریر نمودید که: «بلی در کشوریکه احزاب، سازمانهای سیاسی و شخصیت های ملی با برنامه های خویش از حصه وتلاش مشروع متمدن محروم ساخته شوند به زور اجانب و یا نیروها ووسایل دست داشته حاکمیت بیرحمانه سرکوب شوند، انتخابات به تقلب وتخلفات صریح همراه باشد واز نام دیموکراسی استفاده سوء شود درین صورت انتخاب دیگری برای مخالفین ویا اپوزیسیون باقی نمیمانند تا گرفتن سلاح وتلاش وجستجوی راه های دیگر حتی غیر متمدن وتشدد برای تحقق اهداف و برنامه های خویش». (اما نه مانند کشتار بیرحمانه هموطنان ما در کابل بانک جلال آباد) جناب داکتر صاحب آیا منظور تان از احزاب و سازمانهای سیاسی همان احزاب دست چپی افراطی خلق و پرچم که عامل بدبختیهای افغانستان هستند و یا احزاب دست راستی افراطی هفتگانه و هشتگانه که ادامه دهنده بدبختیهای افغانستان است؟ ویا عقبگرا های طالبی فاقد حزب و سازمان سیاسی که به فکر من هر کدام درین سه دهه امتحان خود را به مردم افغانستان داده اند، و به قول شما «از حصه وتلاش مشروع متمدن هم محروم ساخته شده اند» که واقیعت ندارد زیرا همه این ها به شکل مستقیم ویا غیر مستقیم هنوز هم شریک همین دولت ناقص میباشند واز امتیازات غیر قانونی برخوردار اند، نمیدانم دیگر چه میخواهند؟ قرارنوشته شما در رابطه به مصالحه ومذاکره سیاسی که هر دو این تلاشی است برای متمدن ساختن مبارزات سیاسی برای تحقق اهداف و مقاصد مشروع سازمانها، احزاب و کتله های سیاسی. اما با تأسف باید عرض کنم کدام سازمانها، احزاب و کتله های سیاسی؟ همین هایکه از وجود شان بجای حب وطن بوی خون، نفاق، خودخواهی، قومگرایی، و انسان پرستی بمشام میرسد.

قسمیکه درنوشته قبلی خود اشاره کردم که ایکاش این مخالفین حاکمیت فعلی از دوستی و فرمانبری اجانب مخصوصاً ایران و پاکستان دست میکشیدند، و حد اقل به نعره های رئیس جمهور کرزی جواب مثبت میدادند، که بلی ما حاضر هستیم در پروسه صلح و عمران کشور خود سهم بیگیریم، که با تأسف هر روز چهره های ضد مردمی خود را در سرتاسر افغانستان برملا میسازند.

در جای دیگر خود شما سیاست معین پاکستان را خوب تعریف نمودید، که آی.اس.آی پاکستان در صدد آنست که گروههای خرابکار خارجی، ادارات استخباراتی اجنبی وغیره... را حرکتهای صاف افغانی جلوه دهند تا در قبال آن

اهداف و ستراتیژی های خود را عملی نمایند. و همچنان اشاره کردید که گروه حقانی روابط تنگتنگ با آی.اس.آی پاکستان و طالبان دارند، و با تعهدات معین به آی.اس.آی پاکستان که از هر گونه عملیات در خاک پاکستان اجتناب ورزند، اما می‌توانند اهداف خویش را در افغانستان، هند و کشمیر آزادانه به پیش ببرند. باز تأکید میکنم با کی باید صلح و مذاکره نمود؟

در رابطه به اینکه شما نوشتید «برماست هوشیارانه و با دقت تمام قدمهای خویش را سنجیده و با الویت دادن منافع کشور خویش از هر وضع استفاده اعظمی به خرچ داده که با قربانی غیرضروری و یا قربانی و وقت کم استفاده اعظمی نموده و ملت خویش و جامعه جهانی را ازین منجلا ب تباه کن نجات دهیم». با تأسف باید باز بگویم کدام قدمها و کدام اولویتها در جامعه که اولیای امورش غرق در فساد های گوناگون است، بطور مثال سفیرش با بسیار بیشر می و وقاحت از منافع کشور میزبان دفاع میکند، قوای سه گانه اش که ارکان اساسی کشور است بین هم افتاده اند، و روز تا روز اعتبار خود را در داخل و خارج نزد جامعه جهانی از دست میدهد. شما هم در پروگراف بعدی خود اظهار شک و تردید نمودید «در کشوری که حتی تذکره احوال نفوس معتبر وجود ندارد این کار تقریباً نا ممکن است» و اگر متوجه شده باشید مشابه فرموده شما را در نوشته قبلی خود برایتان عرض کردم (که ما به یک رهبرمدبر، کار آزموده، قاطع و آهنین ضرورت داریم تا با هوشیاری کامل و با در نظر داشت منافع ملی کشور و با تفاهم و جلب کمکهای جامعه بین المللی اولاً به فکر تامین امنیت کشور گردد (که از اولویت هاست) تا حد اقل مردم ما بتوانند با خاطر آرام دنبال یک کار بروند و متعاقباً با بکار انداختن فابریکات تولیدی قبلی و اعمار فابریکات جدید زمینه کار را به مردم را مهیا بسازد، تا از یکسو سطح بیکاری تقلیل پیدا کند و از سوی دیگر مانع رفتن نسل جوان به کشور های همسایه گردد.

در رابطه به کار و اهل کار که شما نگاشتید: «سپردن کار به اهل کار به این معنی نیست که وزیر دفاع باید نظامی خوب باشد و وزیر داخله باید پولیس خوب باشد» نمیدانم به نظر شما اگر این دو وزیر کلیدی در مملکتی چون افغانستان نظامی خوب و پولیس خوب نباشند، چطور میتوانند افراد خود را قومانده و سوق و اداره کنند. این بدان معناست که قصابی را با چپن سفید بالای میز عملیات قلب ایستاده کنیم و دریوری را به کابین طیاره بنشانیم و برایش قومانده پرواز دهیم، و نتایج هر دو را در صفحات کمپیوتر و رادار مشاهده کنید که سرحد کار هر دو غیر مسلکی به کجا میکشد.

در رابطه به مسلکی بودن نظر به فرموده شما «اگر وزیر خارجه رأی ملت را نداشت به حیث مشاور خوب در بخش خارجی برای شخص رئیس جمهور باشد اما نه به حیث وزیر خارجه»؟ وزیر خارجه همان داکتر سپینتا باید باشد که حمایت مستقیم جرمی را با خود دارد، اما ندانستم کدام مشوره کاری اش به رئیس جمهورگره کشای مشکل افغانستان گردیده که مورد پسند و تائید شما قرار گرفته، البته یگانه مخالفت اش در شورای ملی علیه سیاستهای پاکستان را منجم نادیده نمیگیرم، که آنهم از نگاه پرنسیب عدم هماهنگی اعضاء کابینه را با رئیس جمهور نشان میدهد.

در رابطه به خدمت مکلفیت عسکری شما نگاشتید که «باز گشتاندن خدمت مقدس عسکری راه حل دقیق و عملی نیست. ترند مدرن قوای امنیتی مسلکی و وفادار به قانون و آرمانهای مردم تحت نظر قانون راه حل اساسی است» بسیار عالی اما سوال اینجاست که چطور این ترند مدرن امنیتی، مسلکی و وفادار بودن به قانون را با افراد بالای 30 سال و یا کمتر و یا زیادتیر که مسئولیت یک فامیل حد اقل 6 نفری را بدوش دارند، با آن معاش اندک که در خور یک جوان مجرد 18 یا 20 است چطور امرار حیات کند بدون آنکه به یک راه غیر مشروع دست نزنند و یا از طرف دشمن خریده نشوند، پس همان بهتر خواهد بود که جوانان را با همان روحیه و احساسات گرم و وطندوستانه شان جلب خدمت کنیم تا نتیجه قناعت بخش بدست بیاوریم.

در رابطه به آنکه در هر مقطع زمان خیانت و جنایت کرده اند باید به پنجه قانون سپرده شوند، نه همه مردم افغانستان که از روی مجبوری و یا از ترس اینکه مبادا جان، مال و ناموس شان توسط جنایتکاران قرن به خطر نه افتد، عضویت آن احزاب را گرفته اند. البته منظورم در قسمت آن عده جانیانیکه دستهای شان با خون مردم ما سرخ است هم این نیست، که بدون کدام محکمه به چوبه دار کشانده شوند، نخیر قسمی که در نوشته قبلی ام ذکر نمودم که بگذارند ملت در قسمت شان مطابق قانون تصمیم بیگیرد.

محترم سعیدی صاحب با مطالعه نوشته دوم شما از لایلا قسمی نتیجه گرفتیم که شما هم مانند هر هموطن با درد و با احساس ما از ویرانی، بیسروسامانی و عقبمانی کشور رنج میبرید، و کوشش مزید به خرچ میدیدید تا یگراه صلح آمیز برای حل این منازعه که برای ما افغانها و جامعه جهانی به یک تراژیدی قرن مبدل گشته پیدا کنید، که از نظر شخص من و هر هموطن با درد ما قابل قدر است. اما با ابراز تأسف باید بگویم که در بعضی موارد از حقایق و واقعات که جریان دارد قسماً میخواید اغماض نماید، که آنهم از انتهای علاقه مندی شما برای تأمین یک راه صلح آمیز در کشور نمایندگی میکند.

در اخیر یکبار دیگر از مقاله پرمحتوای و مساعی خیرخواهانه شما داکتر صاحب سعیدی در امر تأمین رسالت فردی تان در برابر ملت و وطن عزیز ما افغانستان اظهار قدردانی نموده، و از خداوند بی نیاز به شما و همه مردم رنجدیده ما در این ماه مبارک و پربرکت رمضان مؤفقت های بیشتر استدعا میدارم.

والسلام

تحفه تازه از جانب کسانی که آغوش برادری برایشان باز شده :

حادثه اخیر در میدان وردک که منجر به سربریدن ۸ هموطن بیگناه ما درین ماه مبارک رمضان گردید و همچنان حملات انتہاری در پروان که باعث کشته شدن اضافه از ۲۰ نفر و زخمی شدن دهها هموطن ما گردید، به هیچ نوع قابل بخشش نیست.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ